

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نورالله وثوق
۲۰۰۹/۰۲/۱۳

دو بیتی ها

باد صرصر

ز خون آشنا تر گشته اینجا
به هر بیگانه سنگر گشته اینجا
چه گلپایی به دست باد صرصر
سر هر کوچه پرپر گشته اینجا

خیر و شر

ز بس با پله بینی در کمینی
ز احساس رسیده جان به بینی
چه بد کردی به پا همسایه شر
الهی خیر و خوبی را نه بینی

آخر

خزف را پیش مردم در سرودند
گهی آرام و گه پرپر سرودند
سرود چنگ را با ساز سازش
میان توبره و آخور سرودند

سؤال بی جواب

من و تو چون سؤال بی جوابیم
و یا چون درس خارج از کتا بیم
بیا تا چاره ساز خویش باشیم
که با دنیای آتش همراکبیم

قاش

دهانم را پر از پرخاش کردم
بسی ناگفتی را فاش کردم
دلی پرورده دست و فـا را
به شرط شادی تان قاش کردم

همراهی باطل

سر همراهی باطل نداریم
به هر ناکس دلی مایل نداریم
برای ما حسابی تازه وا کن
که ما چیزی به غیر دل نداریم

جهان بینی تا بینی

همه با دشمنان خلوت گزینی است
خدا را این چه رنگ هم نشینی است
جهان بین دماغ ایل خویش اند
جهان بینی شان تا بند بینی است

بر انداز

بر انداز بساط دل و دینی
پی بریادی ما ، در کمینی
ندانم از چه جنست آفریدند
بـلای آسمانی و زمینی

زشتی برترین

عجب سر گشته و بی جانشینی
به دشمن یار و با یاران به کینی
شدی خار نگاه هرچه خوبی
به چشم هرچه زشتی برترینی

ایل رنگ

بگو حرف دلت را با قشنگی
به زیبایی چرا هر جا به جنگی
ز دیدار تو چشم گشته خیره
همآغوش کدامین ایل رنگی

بیگانه بو

اسیـــــر دستۀ اوپاش گشتیم
در آویز هزار ایکاش گشتیم
ز جور مشـت هر بیگانه بویی
سپند آسا به هر سو پاش گشتیم